

## تحلیل تغییرات سیاسی در ساختار عربستان در دوران ملک سلمان

فرهاد مردانی<sup>۱</sup> - فاضل شجاعیان<sup>۲</sup> - محمد کاظم کاوه پیشقدم<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱

### چکیده:

در نظام سیاسی عربستان قدرت در دست آل سعود است. نظام سیاسی در عربستان سعودی، پادشاهی است و حکومت در فرزندان پادشاه بنیانگذار (عبدالعزیز بن عبد الرحمن بن فیصل آل سعود) موروثی است. ماهیت ساختار قدرت در این کشور منحصر به فرد است و همه چیز در خاندان آل سعود خلاصه می‌شود. پادشاه اصلی ترین و تعیین کننده‌ترین کانون قدرت و عنصر موثر ساختار قدرت سیاسی کشور بوده و در راس ساختار سیاسی قرار دارد. پادشاه، نخست وزیر، فرمانده کل قوا، رئیس تشکیلات مجریه، قانون گذاری و قضایی این کشور بوده و اختیارات آن بسیار گسترده است. پادشاه از جریان آل سعود بوده و باید در راستای منافع خاندان آل سعود اقدام نماید. اولین و موثرترین گروه قدرتمند در عربستان سعودی را خانواده سلطنتی تشکیل می‌دهد. این خاندان به طور مختصر (آل سعود) نام دارد ولی همین عنوان مختصر دارای انشعابات متعددی است. لذا سوال اصلی مقاله به این پرداخته که مهمترین تغییرات سیاسی در ساختار عربستان در دوران ملک سلمان چه مواردی را در بر می‌گیرد؟ که فرضیه محتمل است تغییر در برخی مناصب حکومتی و وزارتی و هم چنین انحلال بسیاری از شوراها و هیات های گذشته از مهم ترین تغییرات سیاسی در دوران ملک سلمان می باشد.

**واژگان کلیدی:** نظام سیاسی، پادشاه، عربستان سعودی، ملک سلمان

---

<sup>۱</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران  
f.mardani9093@gmail.com

<sup>۲</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد، روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران  
amirshoja185@gmail.com

<sup>۳</sup> - استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران  
pishghadam2008@gmail.com

## مقدمه

ثبات سیاسی در کشورهای توسعه یافته به شکل‌گیری دولت ملت و گذار دولت‌ها از بحران - های پنج گانه، هویت، مشروعیت، نفوذ، مشارکت و توزیع در سطح نسبتاً بالایی است، اما کشور هایی مانند خاورمیانه اغلب دذر مرحله گذار به سوی توسعه یافتگی، با تراکمی از بحران‌های سیاسی اجتماعی مواجه‌اند که این امر - باعث بی‌ثباتی سیاسی بسیاری در آنها شده است. ماهیت اقتدارگرایانه و سرکوب‌گرانه نظام‌های سیاسی با افزایش تدریجی تقاضای شهروندان برای مشارکت بیشتر در عرصه سیاسی و اجتماعی از ویژگی‌های عمومی اغلب این کشورها محسوب می‌شود که منجر به تزلزل در ثبات سیاسی و افزایش تعارضات و چالش‌های درونی جوامع خاورمیانه می‌شود. به این ترتیب منطقه خاورمیانه طی دهه‌های گذشته منبع عمده تنش و بی‌ثباتی و جنگ نه تنها برای خود، بلکه برای تمام جهان بوده است.

در این میان، عربستان یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه است که تحولات عمده داخلی آن نه تنها بر سیاست خارجی این کشور بلکه بر تحولات منطقه و جهان نیز همواره تاثیرگذار بوده است. مسئله ثبات داخلی و منطقه‌ای این کشور نه تنها برای دولت‌مردان سعودی بلکه به دلیل وجود ذخائر با دوام نفت و گاز و ظرفیت بالای تولید نفت برای بسیاری از کشورها از اهمیت راهبردی برخوردار است.

حکومت عربستان پادشاهی و ماهیت ساختار قدرت در این کشور نوعی منحصر به فرد می‌باشد، که همه چیز در خاندان سعود خلاصه می‌شود و در مقاله پیش رو در صدد تحلیل تغییرات سیاسی در دوران ملک سلمان می‌باشیم.

## چارچوب نظری تحقیق

علم روابط بین‌الملل، هنوز دولتها را به عنوان مهمترین بازیگران فعال در عرصه نظام بین‌الملل به رسمیت می‌شناسد. دولتها در بسیاری از جهت‌گیری‌های سیاست داخلی و خارجی نقش آفرین - اند. عربستان سعودی به عنوان کشوری مهم در منطقه، فضای استراتژیک سیاست خود را از سه حلقه مهم تشکیل داده است:

- خلیج فارس که عمق استراتژیک اقلیمی و منطقه‌ای سیاست خارجی سعودی محسوب می‌شود. - دایره عربی که عمق استراتژیک قومی عربی سیاست خارجی این کشور تلقی می‌شود.
- عنصر ایدئولوژی که عمق استراتژیک معنوی و روحی سیاست این کشور را در تقویت وهابیت

در داخل و گسترش آن در فراتر از مرزها تشکیل می‌دهد. - رهبران آل سعود با توسل به آیین مذهبی وهابیت، توجیه ایدئولوژیکی ای فراهم کردند که توضیح دهنده چرایی حکومت آنان بوده و این توجیه به عنوان منبع اصلی مشروعیت و ادعایشان درباره قدرت به کار رفته و علت اساسی تداوم حاکمیت شان نیز همین اندیشه مذهبی است. - ساختار قدرت در عربستان سعودی مبتنی بر نظام اقتدارگرایی، پدرسالاری سیاسی و مذهبی است.

لذا می‌توان بافت نظام سیاسی عربستان سعودی را با توجه به ویژگی نفوپاتریمونیال آن، دارای ویژگی‌های زیر دانست:

- انحصار و شخصی بودن قدرت - فقدان نهادهای سیاسی دموکراتیک - دیوان سالاری ناکار آمد و شخص‌گرا - انحصارطلبی سیاسی - اتکا به نیروهای مسلح و امنیتی - استفاده‌های ایزاری از مذهب - وجود مناسبات خویشاوندی و قبیله‌گی به جای ترتیبات رسمی و قانونی .

با توجه به ویژگی‌های فوق، می‌توان اذعان نمود که جایگاه و نقش پادشاه اصلی ترین و تعیین کننده ترین کانون قدرت و عنصر مؤثر ساختار قدرت سیاسی عربستان است. بعضاً این قدرت مطلقه پادشاه، بحران‌هایی همچون توزیع و جایگزینی قدرت را در این کشور سبب شده است. به دیگر سخن عربستان سعودی همواره نوعی جنگ قدرت میان شاهزادگان سعودی به چشم می‌خورد، لذا جدال بر سر قدرت در میان آل سعود به جدالی نسلی مبدل شده است.

در چند سال اخیر، مرگ ملک عبدالله و به قدرت رسیدن ملک سلمان موجب برخی تغییرات در عرصه سیاست خارجی عربستان شده است؛ تغییراتی که حاکی از درک متفاوت این دو پادشاه و مجریان سیاست خارجی آنها از تهدیدات و فرصت‌های عربستان و ارزیابی خاص هر کدام در مورد جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور است. موضوعی که از آن به عنوان عبور سیاست خارجی عربستان از محافظه‌کاری نسبی به سیاست تهاجمی تعبیر می‌شود. در واقع، تغییر پادشاه عربستان باعث تغییراتی گسترده در ترکیب نخبگان سیاسی حاکم شد و نگرش‌هایی متفاوت را در عرصه سیاست خارجی حاکم ساخت. در حالی که نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی در دوره عبدالله عمدتاً از نسل دوم فرزندان عبدالعزیز بودند که احتیاط، محافظه‌کاری و شکیبایی را در سیاست خارجی مهم می‌دانستند، نسل جدید نخبگان سیاسی عربستان عمدتاً از نسل سوم بوده و به در پیش گرفتن سیاست‌های تهاجمی اعتقاد دارند. در واقع، نخبگان جدید سعودی بر این باورند که رویکردهای گذشته در شرایط جدید قادر به تأمین منافع و امنیت آل سعود نیست و این کشور چاره‌ای جز در پیش گرفتن رویکردهای جدید تهاجمی و

معطوف به بکارگیری تمامی عناصر قدرت در سطح منطقه‌ای ندارد. بررسی سیاست خارجی عربستان سعودی به دلایل مختلف واجد اهمیت است.

نخست، این کشور یکی از مؤثرترین بازیگران غرب آسیا و جهان عرب تلقی می‌شود. این در حالی است که بسیاری از دولت‌های کلیدی و دولت‌های مدعی رهبری در جهان عرب با مشکلات و بحران‌های داخلی جدی روبرو هستند.

دوم، عربستان سعودی به نوعی به اصلی‌ترین بازیگر منطقه‌ای تأثیرگذار بر اهداف و منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است و رقابتها و اختلافات مهمی بین دو کشور در حوزه‌ها و بحران‌های مختلف منطقه وجود دارد.

نکته سوم اینکه، سیاست خارجی عربستان در طول سالهای پس از ۲۰۱۱ به تدریج ابعاد و دگرگونی‌های نوینی را تجربه کرده است، که در دهه‌های گذشته ملموس نبوده است. مهمترین وجه این دگرگونی را می‌توان فاصله گرفتن تدریجی ریاض از رویکردهای سنتی و محافظه کارانه در سیاست خارجی و آشکار شدن نشانه‌های گسترده از کنش‌مندی و تهاجم در سیاست خارجی این کشور مشاهده کرد. حال به لحاظ بر اهمیت بودن مسائل ذکر شده در بالا به تحلیل تغییرات سیاسی در ساختار عربستان سعودی در دوران ملک سلمان پرداخته شده است.

### ملک سلمان و سیاست

۱- معرفی سلمان بن عبدالعزيز آل سعود سلمان بن عبدالعزيز آل سعود (زاده - ۳۱ دسامبر ۱۹۳۵) پادشاه هفتم و کنونی عربستان سعودی، خادم الحرمین الشریفین و رئیس مجلس وزیران عربستان سعودی و رئیس آل سعود است. او بیست و پنجمین فرزند عبدالعزيز آل سعود از همسرش حصه و با ۵ پادشاه پیش از خود برادر است.

۲- تولد و خانواده. ملک سلمان متولد ۵ شوال ۱۳۵۴ هجری قمری می‌باشد، او پس از درگذشت ملک عبدالله پادشاه عربستان شد و از اعضای گروه «هفت سدیری» است. او برادر ناتنی ملک عبدالله (پادشاه سابق عربستان) و برادرتنی ملک فهد (پادشاه اسبق عربستان) و نایف و سلطان (دو ولیعهد سابق ملک عبدالله) است، لذا یکی از «هفت برادران» معروف به «السدیری» محسوب می‌شود.

۳- سمت‌ها. ملک سلمان در طول زندگی سیاسی خود مشاور مخصوص پادشاهان عربستان بوده و نقش ویژه‌ای در اداره امور داخلی این کشور داشته است. وی از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۰ و

بار دیگر از سال ۱۹۶۳ تا ۲۰۱۱ سمت استانداری ریاض را داشته است. پس از مرگ سلطان بن عبدالعزيز در سال ۲۰۱۱، وزارت دفاع عربستان که همواره در دست ولیعهد بود به وی سپرده شد. پس از مرگ نایف بن عبدالعزيز در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۲، سلمان بن عبدالعزيز به عنوان ولیعهد عربستان و سومین ولیعهد عبدالله بن عبدالعزيز انتخاب شد. پس از مرگ ملک عبدالله، سلمان در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۵ رسماً بعنوان پادشاه عربستان سعودی انتخاب شد.

۴- پادشاهی عربستان

۴ - ۱- سیاست داخلی

الف - موج اول تغییرات

سلمان با آغاز پادشاهی خود، کوچکترین برادرش مقرن بن عبدالعزيز را به عنوان ولیعهد و برادرزاده اش محمد بن نایف آل سعود را به عنوان جانشین ولیعهد انتخاب کرد. او در اولین اقدام مشعل بن عبدالله فرزند شاه سابق را از امارت مکه و بندر بن سلطان را از شورای امنیت ملی کنار گذاشت. بندر که در زمان ملک عبدالله مشاور و نماینده ویژه وی بود، از این سمت هم در دوران حکومت سلمان کنار گذاشته شد. در همین راستا فیصل بن بندر نیز از امارت منطقه القصیم و ترکی بن عبدالله از امارت منطقه ریاض برکنار شدند.

سلمان بن عبدالعزيز همچنین چند نهاد دولتی مربوط به دوران حکومت ملک عبدالله را منحل کرد که شامل کمیته عالی سیاست آموزش، کمیته عالی ساماندهی و تنظیم اداری، شورای خدمات مدنی، شورای آموزش عالی و دانشگاهها، شورای عالی شهر علوم و فناوری ملک عبدالعزيز، شورای عالی آموزش، شورای عالی امور نفت و معادن، شورای عالی اقتصادی، شورای امنیت ملی، شورای عالی امور اسلامی، شورای عالی شهر انرژی هسته‌ای و انرژی تجدید شونده ملک عبدالله و شورای عالی امور معلولان بودند. وی دو نهاد جدید تشکیل داده است که اولین نهاد، شورای امور سیاسی و امنیتی و دومین نهاد، شورای امور اقتصادی و توسعه اعلام شده است که روسای هر دو نهاد به عنوان اعضای کابینه نیز منصوب شده‌اند.

ب - انتخاب ولیعهد

در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۷ سلمان بن عبدالعزيز، محمد بن سلمان را به عنوان ولیعهد جدید این کشور معرفی کرد.

ج - موج دوم تغییرات

تغییرات اساسی در دولت عربستان، در ۲۸ آوریل ۲۰۱۵ توسط ملک سلمان اجرایی شد.

تغییراتی که رسانه‌ها از آن تحت عنوان زلزله سیاسی یاد کردند. براساس این فرامین، ملک سلمان، مقرن بن عبدالعزیز، ولیعهدی سعودی را برکنار و شاهزاده محمد بن نایف آل سعود را با حفظ سمت در وزرات کشور به عنوان ولیعهد جدید منصوب کرد. ملک سلمان در حکمی دیگر همچنین محمد بن سلمان آل سعود، فرزند خود و وزیر دفاع را به عنوان جانشین ولیعهد منصوب کرد. پادشاه عربستان سعودی همچنین سعود الفیصل وزیر خارجه هفتاد و پنج ساله بیمار این کشور را برکنار و عادل الجبیر را به عنوان وزیر خارجه جدید منصوب کرد. بر اساس این حکم، شاهزاده سعود الفیصل وزیر مشاور در امور خارجه شد. پادشاه عربستان همچنین خالد الفالح را به عنوان وزیر بهداشت، عادل فقیه را وزیر اقتصاد و برنامه ریزی و مفرج الحقبانی را به عنوان وزیر کار معرفی کرد و خالد بن عبدالرحمن العیسی را از سمت معاون رئیس دربار برکنار و وی را به عنوان وزیر مشاور و عضو هیئت دولت و عضو شورای امور سیاسی و امنیتی معرفی کرد. همچنین براساس این احکام، عبدالرحمن الهزاع از ریاست اتحادیه رادیو و تلویزیون برکنار شد. پادشاه عربستان سعودی در حکمی دیگر، حقوق ماهیانه کارکنان نهادهای امنیتی و نظامی را افزایش داد.

#### ۴ - ۲ - سیاست خارجی

##### الف - عملیات نظامی طوفان قاطعیت

چند ماه بعد از آغاز بکار دولت سلمان بن عبدالعزیز، با دستور پادشاه عربستان، مداخله نظامی در یمن در مارس ۲۰۱۵ میلادی برابر ۶ فروردین ۱۳۹۴ با حمله هوایی ائتلافی از کشور-های منطقه به رهبری عربستان سعودی به یمن با نام عملیات طوفان قاطعیت (به عربی: عملیة عاصِفَةُ الحزم) آغاز شد و از ۲ اردیبهشت با نام عملیات احیای امید (به عربی: عملیة إعادة الأمل) ادامه یافت. این عملیات در حمایت از دولت عبد ربه منصور هادی و بر ضد انصارالله، و حامیان علی عبدالله صالح رئیس جمهور سابق یمن صورت گرفته که صنعا پایتخت یمن و بیشتر مناطق شمال یمن را در اختیار دارند. عربستان و کشورهای حاضر در ائتلافش، ایران را به حمایت از «شورشیان حوثی» متهم می‌کنند، چنانچه می‌دانند برخی تحلیل‌گران این عملیات را «آیین جنگ سرد میان ایران و عربستان» می‌دانند و معتقدند که آنچه یمن را به میدان مبارزه تبدیل کرده است، رقابت ایران شیعه مذهب و عربستان و سنی مذهب است. در جریان این عملیات، محمد بن سلمان آل سعود، فرزند ملک سلمان و ولیعهد عربستان سعودی، بعنوان وزیر دفاع عربستان، فرماندهی حملات علیه یمن را در دست داشت.

## ۵ - دیدگاه‌های سیاسی

براساس اسناد منتشر شده توسط سایت افشاگر ویکی لیکس، سلمان بن عبدالعزیز، در سال ۲۰۰۷ میلادی و در دورانی که فرماندار ریاض بود، به سفیر آمریکا در عربستان می‌گوید که پادشاه سعودی در دوران پهلوی دارای «روابط عالی» با ایران بود و ایران در دوران محمد رضاشاه به مراتب دارای قدرت نظامی بیشتر و اقتصادی قوی‌تر از «ایران امروز» بود. همچنین به سفیر آمریکا می‌گوید انجام اصلاحات به دلایل فرهنگی و قبیله‌ای و نه به دلایل مذهبی در عربستان سعودی امکانپذیر نیست و اصلاحات مورد نظر غرب دارای تبعات خوشایندی برای پادشاهی سعودی نخواهد بود. سلمان بن عبدالعزیز، از منتقدین سیاست خارجی دولت باراک اوباما و سیاست نرمش در برابر ایران بود.

## ۶ - زندگی شخصی

سلمان سه بار ازدواج کرده است. یکی از پسران او به نام سلطان نخستین شاهزاده، نخستین عرب و نخستین مسلمانانی است که به فضا سفر کرده است. (ویکی پدیا)

## ۷- تغییرات سیاسی در دوران ملک سلمان

ساختار توزیع قدرت در عربستان سعودی، بر اساس ساختار قدرتی بود که ملک عبدالعزیز ایجاد کرد و طبق این ساختار، قدرت در میان پسران او منتقل می‌شد. این ساختار را ملک سلمان، پادشاه کنونی عربستان سعودی، تغییر داد و با اعمال مسیری متفاوت، بسترهای لازم برای ولایت عهدی پسرش، محمد بن سلمان، فراهم شد.

در این راستا، محمد بن سلمان از حدود دو سال پیش با مجموعه اقداماتی طراحی شده، محمد بن نایف، ولی عهد ملک سلمان را کنار زده و با برکناری دیگر مدعیان قدرت، ولایت عهدی را از آن خود کرده است. از سویی دیگر، ملک سلمان نیز با اجرای برخی سیاست‌ها به روند ولایت عهدی پسرش شدت بیشتری بخشید. وی با صدور فرامینی دست به تغییرات اساسی در ساختار سیاسی زد.

- برکناری برادرش مقرن بن عبدالعزیز از ولی عهدی و نایب رئیسی شورای وزیران و انتصاب محمد بن نایف به ولی عهدی و فرزندش محمد بن سلمان به جانشینی ولی عهد بود.

- انتقال گارد ملی عربستان به مرزهای جنوبی این کشور در راستای مقابله احتمالی با شورش‌های متعب بن عبدالله، وزیر گارد ملی، به همراه مقرن بن عبدالعزیز، ولی عهد برکنار شده، بوده است.

- انتصاب عادل الجبیر به سمت وزارت امور خارجه .

- برکناری یکی دیگر از شاهزاده‌های قدرت مند عربستان، یعنی سعود الفیصل از این سمت، الجبیر تنها وزیر امور خارجه در تاریخ آل سعود است که از خاندان آل سعود نیست.

- تغییرات پی در پی ملک سلمان، در نهایت بسترساز هدف اصلی، یعنی تفویض ولایت عهدی به پسرش محمد بن سلمان شد؛ اقدامی که می‌توان از آن به منزله بدعت در جابه‌جایی و واگذاری قدرت در خاندان آل سعود در نظر گرفت. (مسعود نیا: ۱۴۸ - ۱۴۷)

۸- دلایل تغییر در سیاست عربستان در دوره ملک سلمان

نقاط عطف و تغییرات جدید در سیاست، زمینه‌ها و دلایلی دارد که فهم آنها برای پیش‌بینی تغییرات مشابه در آینده است. اهمیت موضوع در ارتباط با عربستان ناشی از واقعیت ثبات ممتدی است که از جنگ جهانی دوم تا قدرت‌گیری ملک سلمان، ویژگی بارز سیاست خارجی این کشور بوده است. تمامی پادشاهان قبل از ملک سلمان به ثبات و استمرار یاد شده پایبند ماندند. ماندگاری چهار دهه‌ای سعود الفیصل در پست وزارت خارجه خود نمود بارز استمرار و عدم تغییر سیاست خارجی بود. این واقعیت در تضاد با مجموع خاورمیانه قرار می‌گیرد، سیال بودن یکی از ویژگی‌های سیاست در خاورمیانه است، اما عربستان دهه‌ها متحد با ثبات و قابل اعتماد و شریک تجاری بزرگ ایالات متحده بوده است. (Yefet, Adam. 92)

در آغاز هزاره سوم، سازوار کردن منافع داخلی، نیازمندی‌های امنیتی و راهبردهای جهانی عربستان، چالش عمده این کشور است (Niblock. 132) به همین دلیل، در تبیین چرایی وقوع تغییر در سیاست عربستان، استدلال‌هایی در سطوح مختلف انجام شده و می‌شود. این استدلال‌ها در دو سطح عوامل داخلی و مولفه‌های محیطی مطرح شده است. در سطح داخلی، برخی جنگ قدرت در درون خاندان حاکم را سبب اصلی وقوع تغییر می‌داند. بنابراین دیدگاه، جناح‌های اصلی قدرت در درون خاندان حاکم و به ویژه شخصیت‌های محوری نسل سوم (متعب بن عبدالله، محمد بن نایف و به ویژه محمد بن سلمان)، برای اثبات شایستگی، قاطعیت و توان مدیریتی خود برای رسیدن به پادشاهی، دست به اقداماتی در درون و بیرون عربستان می‌زنند. بر مبنای این فهم، متعب بن عبدالله و به ویژه محمد بن نایف، پیشتر جایگاه و شایستگی خود را به اثبات برساند. در این میان محمد بن سلمان که در دوره ملک سلمان، به بازیگر اصلی سیاست داخلی و خارجی عربستان تبدیل می‌کند.



با اتخاذ سیاست‌های داخلی و خارجی متفاوت و سنت شکن جویای تثبیت و ارتقای جایگاه خود و رسیدن به پادشاهی است. (Sailer, Matthias.5) تا پیش از انتصاب، محمد بن سلمان تجربه چندانی در مناصب عالی حکومتی نداشت. (Stenslie, Stig. 124) بنابراین انتصاب وی در مناصب عالی و متعدد نشانه تلاش برای تثبیت جایگاه وی بود. در سطح منطقه‌ای، تصویر ایران در ریاض، ایرانی با قدرت و نفوذ رو به ازدیاد است، کشوری که نه تنها در عراق، سوریه و لبنان توان عملیاتی خود و متحدانش را به سطح بی سابقه‌ای رسانده است بلکه در دو نقطه استراتژیک دیگر (بحرین و یمن) در تماس مستقیم با سرزمین سعودی قرار گرفته و با قدرت وارد اولین محور سیاست عربستان سعودی شده است.

در سطح بین‌المللی نیز در تصورات نخبگان سیاسی عربستان، ایران با امضای برجام با قدرت-های جهانی نه تنها از انزوا خارج شد بلکه همچنین از پتانسیل بین‌المللی آزاد شده خود در منطقه بهره می‌گیرد (Al-Rasheed, Modawi. 2015)، سه استدلال تغییر تبعی سیاست عربستان، استقلال جویی ریاض و نگرانی از صعود قدرت ایران؛ هر سه بر محوریت امنیت تاکید دارند.

در این معنا، ریاض از یک سو دیگر امیدی به چتر امنیتی ایالات متحده ندارد و از سوی دیگر، نگران از گسترش نفوذ و حضور ایران در خاورمیانه، به سوی تامین مستقیم امنیت خود حرکت کرده است. در مجموع استدلال‌های مطرح شده می‌توان آنها را به دو دسته قدرت محور (تلاش برای قدرت‌گیری و یا تحکیم قدرت در داخل) و یا امنیت محور (تلاش برای تامین امنیت عربستان) تقسیم کرد. در واقع سیاست نوین عربستان ریشه در سطوح مختلفی دارد که نمی‌توان تاثیر هیچ یک را به طور کامل نادیده گرفت. اطلاعات داخلی عربستان و داده‌های موجود، حاکی از وجود نگاهی کلان به تحولات منطقه است. این نگاه افزون بر پرداختن به چالش‌های ذهنی و عینی پیش روی ریاض (قدرت‌گیری منطقه‌ای ایران و چرخش ایالات متحده به شرق)، جویای پیشبرد اهداف منطقه‌ای عربستان سعودی در منطقه است. (Takeyh-Ray and Sabbagh, Hasib J.36456)

#### ۹ - واکاوی تغییرات سیاسی در عربستان

ملک سلمان پادشاه عربستان تغییرات امنیتی و وزارتی انجام داد که علامت سؤال‌های زیادی درباره هدف حقیقی و گام‌های آتی ایجاد کرد. ساختار سیاسی در عربستان به شکلی است که کابینه زیر نظر پادشاه فعالیت می‌کند. بعد از تغییرات ساختاری سال ۲۰۱۵ در این کشور، کابینه عربستان سعودی با ۲۳ وزیر فعالیت می‌کند.

در روند تغییر ساختار کابینه و شورای امور سیاسی و امنیتی عربستان، عادل الجبیر برکنار و ابراهیم العساف به عنوان جانشین وی انتخاب شد. العساف وزیر اقتصاد و دارایی عربستان بود که دو سال پیش در جریان اقدامات بن سلمان با عنوان مبارزه با فساد برکنار شد. الجبیر به عنوان وزیر مشاور در امور خارجه تعیین شد. الجبیر از سال ۲۰۱۵ تا کنون وزیر خارجه عربستان سعودی بود. «ابراهیم العساف» وزیر امور خارجه جدید عربستان سعودی شد. وزیر خارجه جدید عربستان سعودی، یک سال پیش جزء بازداشتی‌های بن سلمان در هتل ریتز کارلتون بود. او از ژانویه ۲۰۱۸ آزاد و به کار خود بازگشته است.

در میان دیگر تغییرات کابینه از سوی پادشاه عربستان، ترکی الشبانه به عنوان وزیر اطلاع رسانی این کشور منصوب شده است. همچنین محمد بن نواف بن عبدالعزيز آل سعود، سفیر ریاض در لندن نیز از سمت خود برکنار شده است. پادشاه عربستان عبدالله بن بندر بن عبدالعزيز را به عنوان وزیر گارد ملی منصوب کرد. حمد آل الشیخ نیز وزیر آموزش شده و فیصل بن خالد از امارت منطقه عسیر برکنار و ترکی بن طلال جانشین او شده است. سلطان بن سلمان از ریاست هیات گردشگری برکنار و به سمت هیات سعودی فضا، گماشته شد. پدر بن سلطان از امارت منطقه الجوف برکنار و فیصل بن نواف جایگزین او شد. در همین حال مساعد العیبان نیز به سمت مشاور امنیت ملی منصوب شده است. ترکی آل الشیخ از سمت خود برکنار و عبد-العزیز بن ترکی الفیصل به عنوان رئیس هیات ورزش تعیین شد. سپهبد خالد بن قرار الحربی نیز به سمت مدیرکل اداره امنیت عمومی منصوب شد. در حکم ملک سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه عربستان همچنین از سرگیری فعالیت شورای امور سیاسی و امنیتی به ریاست محمد بن سلمان ولی عهد سعودی صادر شده است.

#### ۱۰ - اهداف ریاض از تغییرات نمادین

ناظران امور با اشاره به تغییرات عربستان آن را به نوعی تفاهم ایجاد شده با ولیعهد دانستند و اینکه ملک سلمان وانمود کند که هنوز قدرت در دستان وی است. در واقع عربستان با این تغییرات سعی دارد که به دنیا وانمود کند که تغییراتی در عربستان حاصل شده است تا فشار-های خارجی علیه ریاض با توجه به رسوایی‌ها و پرونده‌های موجود از جمله جمال خاشقچی و جنگ یمن و سیاست خارجی عربستان در قبال همسایگان دور و نزدیک که عامل بی ثباتی منطقه است، کاسته شود. برخی تلاش‌های برای راضی کردن رخ داده است از جمله گماشتن شاهزاده ترکی بن طلال برادر ولید بن طلال به عنوان امیر منطقه عسیر. در این تغییرات از

خالد بن سلمان سفیر سعودی در آمریکا و فرزند پادشاه حرفی به میان نیامده است. همچنین از دستگاه‌های امنیتی که در قتل معارض سعودی نقش دارند، خبری نیست. این تغییرات به تغییرات سیاست عربستان در قبال یمن و قطر و دیگر کشورهای منطقه و نیز معارضان و فعالان سعودی در داخل منجر نخواهد شد؛ بلکه قدرت محمد بن سلمان را بیش از قبل قوی می‌کند. برخی از ناظران امور تشدید تنش با قطر و ترکیه را نیز احتمال می‌دهند. البته برخی تحلیلگران سعی دارند که نوعی نگاه خوش بینانه این تغییرات داشته باشند و آن را در راستای اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر آرام کردن بحران‌ها می‌دانند که به اعتقاد این ناظران می‌توان احتمال نزدیک شدن به سوریه، برخورد به شکل متوازن با طیف‌های سیاسی و طایفه‌ای لبنان، بهبود روابط با عراق و زمینه سازی برای خروج تدریجی از بحران یمن را داد؛ به ویژه که ابراهیم العساف وزیر خارجه جدید سیاستمدار کهنه کاری است که با سه پادشاه یعنی ملک فهد، ملک عبدالله و ملک سلمان کار کرده است. در حال خوشبینانه‌تر شاید بتوان به گشوده شدن باب گفتگو با ایران هم در این راستا فکر کرد. ریاض با این تغییرات به دنبال تغییر یا اصلاح وجهه تخریب شده عربستان است به ویژه که پس از ترور جمال خاشقجی به شدت آسیب دیده است.

#### ۱۱- بستن روزه‌های خطر ضد بن سلمان

به هر حال تغییرات سیاسی، ظاهری و فاقد ارزش است اما تغییرات امنیتی به ویژه تغییرات در گارد ملی که به موازات ارتش است و از ناحیه آن احساس خطر می‌شود و از حیث نظری به مثابه بازوی کوبنده معارضان و شاخه فرزندان ملک عبدالله پادشاه سابق و متحدانشان توصیف می‌شود و این موضوع درباره مشاور امنیت ملی جدید و بازنگری در ساختار دستگاه اطلاعات از سوی کمیته تحت رهبری ولیعهد سعودی نیز صدق می‌کند که هدفش سلطه قوی‌تر بن سلمان و بستن هر روزه خطرناک برای حکومت وی یا بلندپروازی‌هایش است. (خبرگزاری مهر)

#### ۱۲- تبیین فضای نوین حاکم بر سیاست عربستان در زمان ملک سلمان

هنگامی که حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عربستان را در کانون اتهامات غربی و به ویژه فشار- های واشنگتن قرارداد، عربستان امنیت خود را منفک از منافع و نظام امنیتی آمریکا در خاورمیانه تعریف نمی‌کرد. اعتراضات عربستان به سرنگونی صدام حسین توسط آمریکا و گسترش نفوذ ایران در عراق جدید، از سخنان وزیر خارجه این کشور فراتر نمی‌رفت.

جنگ با (کمپین داخلی القاعده) در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶، در راستای (جنگ علیه تروریسم)، واشنگتن پیش رفت. تا سال ۲۰۱۱ رفتار استراتژیک عربستان خارج از چهارچوب امنیتی تعریف شده توسط آمریکا در خاورمیانه بروز خارجی نداشت.

سال ۲۰۱۱، محاسبات استراتژیک ریاض را متحول کرد. مضاوی الرشید اندیشمند سعودی، زیان‌های بهار عربی برای عربستان سعودی را در چهار مورد خلاصه می‌کند:

نخست از دست دادن متحدان منطقه‌ای سنتی. دوم از دست دادن جنبش‌های اسلامی و به ویژه با حمایت از سرنگونی محمد مرسی. سوم از دست دادن انسجام و همبستگی درونی جی سی سی. چهارم از دست رفتن اعتماد میان عربستان و ایالات متحده به ویژه پس از نزدیکی واشنگتن به تهران.

عربستان نگرانی‌های خود را در فضای اتحاد استراتژیک با واشنگتن مرتفع می‌کرد. در یکی از اسناد ویکی لیکس، ملک عبدالله، پادشاه سابق عربستان، در اشاره به ایران از واشنگتن می‌خواهد سر مار را قطع کند. منزوی کردن ایران در سطوح مختلف توسط ایالات متحده نیز برای ریاض هم واجد ارزش استراتژیک بود و هم منافع اقتصادی قابل توجهی را در بر داشت. در بعد استراتژیک، انزوای ایران به معنای تضعیف مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ریاض در شرایطی بود که درآمدهای نفتی بی سابقه، توان اثرگذاری ریاض بر تحولات منطقه‌ای را بیش از پیش افزایش می‌داد.

در بعد اقتصادی نیز کاهش سهم ایران از بازار جهانی نفت، از یک سو ایران را در یکی از مهم‌ترین حوزه‌های رقابت با عربستان عقب گذاشت و از سوی دیگر سهم ریاض را از بازار جهانی نفت افزایش داد.

### ۱۳- الگوی نوین سیاست عربستان در زمان ملک سلمان

در سیاست عربستان در دوره نوین که افزون بر دوره ملک سلمان، واپسین سال‌های ملک عبدالله را نیز در بر می‌گیرد، روندی قابل مشاهده است که در آن عربستان به تدریج اولویت‌های خاص خود را اگر چه نه در تضاد با ایالات متحده، اما در چهارچوبی پیش می‌برد که استقلال‌گرایی در آن ملموس است.

رهیافت یاد شده، الگوی نوین طرح و اجرای سیاست خارجی و منطقه‌ای عربستان است. اگر چه همچنان بخش عمده‌ای از هنجارها و اصول دیرین سیاست عربستان در الگوی نوین

قابل پیگیری است. با این حال، الگوی نوین، تحولات واپسین سال‌های خاورمیانه را با هدف حفظ و تحکیم و ارتقای جایگاه منطقه‌ای عربستان اولویت بندی می‌کند.

الگوی نوین سیاست عربستان را می‌توان در قالب یک مثلث ترسیم کرد که سه ضلع آن را مولفه‌هایی تشکیل می‌دهد که در کنار یکدیگر به فهم سیاست عربستان کمک می‌کند. ضلع نخست، تمرکز بر تضاد با ایران و تضعیف نفوذ و اثرگذاری منطقه‌ای آن است. ریاض در فضای استراتژیک متحول منطقه خاورمیانه، صعود قدرت (عینی و یا ذهنی) ایران را بزرگ‌ترین چالش و تهدید در برابر امنیت ملی و جایگاه منطقه‌ای خود می‌داند و در نتیجه، ضلع اصلی سیاست خود را در دوره جدید بر تضاد با سیاست و نفوذ منطقه‌ای ایران و تلاش برای تضعیف آن متمرکز کرده است.

پس از ۲۰۱۱، ریاض دهها میلیارد دلار برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه تخصیص داد. (Bronner, Ethan and Slackman, Michael)<sup>۱</sup> گوری گلس، استاد عربستان شناس دانشگاه ورمونت، بر آن است که تعهد سعودی به شرکای پادشاهی‌اش در جی سی سی، به همان نسبت به حفاظت از شکل این رژیم‌ها مربوط می‌شود که با دور کردن نفوذ ایران از همسایگان بلافصل عربستان مرتبط است. حتی اختلافات ریاض - واشنگتن را نیز باید از این زاویه دید. در سالهای بهار عربی، تمامی تحرکات ریاض در بحرین، سوریه، یمن، عراق و لبنان یک جنبه غالب رقابت جویی و یا تضاد با ایران داشت.

ضلع دوم، عدم ضرورت ابتدای سیاست عربستان بر اولویت‌های منطقه‌ای ایالات متحده است. از هنگام سقوط نظام پادشاهی در سال ۱۹۷۹، منافع سیاست سعودی در مسایل متعدد و حایز اهمیتی از جمله مهار (تهدید ایران)، در اتحاد نزدیک با منافع ایالات متحده قرار گرفت. به همین دلیل برخی اولویت سیاست ملک سلمان را بهبود روابط آسیب دیده ریاض با واشنگتن می‌دانستند. در مجموع اتحاد واشنگتن - ریاض که در دوره ای در کانون جهت گیری سیاست عربستان جای داشت دیگر چندان توجه ریاض را جلب نمی‌کند.

در واقع، عربستان خود را پس از دهه‌ها جدا از منافع استراتژیک آمریکا می‌یابد. ضلع سوم، حرکت در چهارچوب نهادین است. به عبارتی، ائتلاف سازی و کانالیزه کردن سیاست منطقه‌ای در قالب ائتلاف‌های نوین، مولفه سوم الگوی سیاست عربستان است. ریاض در سال‌های پس از ۲۰۱۱ در تلاش بوده است از طریق ائتلاف سازی در خلیج فارس و کشور

<sup>۱</sup> - [http://www.nytimes.com/2011/03/15/world/middleeast/15bahrain.html?\\_r=0](http://www.nytimes.com/2011/03/15/world/middleeast/15bahrain.html?_r=0)

های عربی علیه ایران، در سطح منطقه‌ای تهران را منزوی کند.

در نگاه به مهمترین پرونده‌های سیاست منطقه‌ای عربستان در پنج سال پس از ۲۰۱۱، حضور سه ضلع یاد شده قابل پیگیری است. در بحرین، به رغم انتقادات ایالات متحده (مولفه دوم)، عربستان به دلیل تصور حضورو اثر گذاری و احتمال گسترش نفوذ ایران در منطقه (مولفه نخست) در چهارچوب شورای همکاری خلیج فارس (مولفه سوم) وارد شد و در کنار نظام سیاسی آل خلیفه در برابر مطالبات مردمی آن قرار گرفت.

در سوریه، به رغم اختلافات جدی ایالات متحده با سیاست عربستان و عدم تحرک ایالات متحده علیه دمشق، به رغم تعهد به ورود نظامی در صورت به کارگیری تسلیحات شیمیایی (مولفه دوم)، عربستان در راستای تضعیف حضور و نفوذ منطقه‌ای ایران و قطع ارتباط ممتد از ایران به لبنان و روی کار آوردن دولتی طرفدار و همراه عربستان (مولفه نخست) در قالب شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب، به جبهه‌ای برای سرنگون سازی نظام حاکم برسوریه شکل داد (مولفه سوم)، تا در برابر ایران و متحدان آن از چهارچوبی نهادین بهره برده باشد.

در یمن، ایالات متحده با تمرکز بر جنگ علیه تروریسم و ریشه کن سازی القاعده و اصرار بر عدم تروریست خواندن انصار الله، اولویت متفاوتی از عربستان دارد (مولفه دوم).

با این حال، عربستان سعودی که قدرت گیری انصار الله و تسلط آنها بر یمن را معادل گسترش حضور و نفوذ ایران در این کشور شبه جزیره‌ای می‌داند (مولفه نخست)، برای پیشگیری از این تحول، ابتدا در قالب شورای همکاری خلیج فارس (مولفه سوم) ابتکاری برای انتقال قدرت از صالح به هادی مطرح و به تصویب رساند و پس از تسلط انصار الله بر صنعا و تحرک آنها برای کنترل عدن و تمامی مناطق یمن، در قالب ائتلافی منطقه‌ای (مولفه سوم) وارد جنگ یمن شد.

### بخش دوم: محمد سلمان (پدیده جدید ملک سلمان)

#### ۱- ظهور بن سلمان - ظهور برنامه‌های جدید

بحران سازی محمد بن سلمان در یمن، حمایت‌های او از تروریست‌های سوریه، تخریب العوامیه در کنار حمایت‌های همه جانبه ملک سلمان از او باعث شده است تا امروز قدرت محمد بن سلمان در نقش ولیعهد آل سعود مستحکم‌تر شود، اما چون این انتصاب از طریق مرسوم آل سعود شکل نگرفته است امکان دارد که این استحکام نتواند در دوران پس از ملک سلمان باقی بماند، از این منظر محمد بن سلمان برای تثبیت قدرت خود در جامعه عربستان باید بتواند بر توده‌های

مردمی و حمایت اکثریت جامعه عربستان حساب کند.

عملکرد محمد بن سلمان باعث بروز نشانه‌های از گسترش مخالفت‌ها در خاندان آل سعود علیه او شده است. دستگیری برخی از شاهزادگان تأثیرگذار باعث شده است تا میزان محبوبیت بن سلمان در درون خاندان تا حد بسیاری کاهش پیدا کند، از سوی دیگر حمایت او از آزادی زنان، علمای سنتی وهابیت را از او دور کرده است. لذا تلاش بن سلمان در راستای کسب حمایت نسل نوین عربستان در کنار فضا سازی رسانه‌ای باعث شده است تا او مقبولیت و مشروعیت اجتماعی را به عنوان یکی از پایه‌های قدرت خود به حساب آورد. از دیدگاه محمد بن سلمان دست زدن به شبه اصلاحاتی که از سوی علمای کبار العلما دارای تأییدیه است، می‌تواند در میان جامعه سنتی و مدرن عربستان تأثیرگذار باشد. لذا او دست به اقداماتی زد تا بتواند سرمایه خود را در جامعه عربستان بالا ببرد.

### اقدامات محمد بن سلمان برای استفاده از زمینه‌های اجتماعی

اصلاح طلبی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و اظهار تمایل محمد بن سلمان برای ایجاد دگرگونی‌های قابل توجه در این عرصه‌ها وجه دیگر شخصیت و رویکردهای بن سلمان است که با قدرت طلبی و تمامیت خواهی وی در عرصه سیاسی متفاوت است.

اقدامات اصلاحی محمد بن سلمان در سه حوزه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته است و در سه موضوع زنان، توسعه اقتصادی و فساد ستیزی پررنگ شده است. از این منظر ما می‌توانیم مهمترین اقدامات محمد بن سلمان در راستای افزایش محبوبیت اجتماعی خود را در این سه موضوع مورد پیگیری قرار دهیم.

الف- زنان: ارائه طرح اسلام میانه رو در تفکر محمد بن سلمان اولین نمود عینی خود را در اقدامات شبه اصلاحاتی او درباره زنان داشت. اعطای حق رانندگی به زنان، حق صدور فتوا از سوی زنان، ایجاد باشگاه بوکس برای زنان در جده و چند اصلاح دیگر از جمله مهمترین مواردی است که در دو ماه گذشته به عنوان نماد تغییرات اجتماعی در عربستان مطرح شد. «ابراهیم کالین» سخنگوی کاخ ریاست جمهوری ترکیه این رویداد را به «انقلاب اجتماعی» توصیف کرده است. (خبرگزاری تسنیم)

بدین ترتیب، آزادسازی رانندگی زنان، که دیرزمانی است به مطالب‌های عمومی تبدیل شده و همچنان با مقاومت نهادهای مذهبی مواجه بود، امکانپذیر و برای تحکیم چهره مصلح محمد

بن سلمان، راهگشا خواهد بود. (حسن احمدیان، پایگاه تحلیلی اینترنشنال، ۱۶ مهر)  
 ب- توسعه اقتصادی: تدوین سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ و تلاش برای تحقق آن مهم‌ترین نمود کوشش‌های محمد بن سلمان برای مطرح ساختن خود به عنوان شخصیتی اصلاح طلب در زمینه اقتصادی است. چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعودی یا «رؤیه المملکه العربیه السعودیه» ۲۰۳۰، سندی است که توسط شورای امور اقتصادی و توسعه به ریاست محمد بن سلمان و با مشارکت قریب به ۲۰ وزیر سعودی تدوین و در ۲۵ آوریل ۲۰۱۶ از آن رونمایی رسمی شده است. این سند که از آن به نقشه راه توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سعودی یاد می‌شود، در بردارنده طیفی از طرح‌ها و برنامه‌های بلندپروازانه و گسترده محمد بن سلمان برای ارتقاء نقش و کارکرد سعودی در دو حوزه داخلی و خارجی و در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی فرهنگی است. در واقع سند تحول ۲۰۳۰ عربستان سعودی طرحی است که بنا بر آن، قرار است ساختار اقتصاد و به تبع آن اجتماع و سیاست عربستان تا حد زیادی تغییر کند. البته بخش مهمی از این تحولات در بعد اقتصادی است، ولی آثار و نتایج آن در حوزه اجتماعی و سیاسی نیز در صورت تحقق قابل رویت خواهد بود. (سایت خبری تحلیلی تابناک)

پ - فساد ستیزی: تشکیل کمیته مبارزه با فساد با دستور ملک سلمان و به ریاست محمد بن سلمان طرحی دیگر برای حفظ قدرت در خاندان آل سلمان و افزایش محبوبیت محمد بن سلمان در جامعه عربستان است. مبارزه با فساد خاندان آل سعود همواره یکی از مهم‌ترین درخواست‌های مردم عربستان از حاکمان آل سعود بوده است به گونه‌ای که این درخواست به یکی از شعارهای اصلی تجمعات مردمی در جریان بیداری اسلامی و جنبش حراک ۱۵ سپتامبر عربستان بدل شد. (خبرگزاری مشرق) اقدامات فساد ستیزانه محمد بن سلمان با تشکیل کمیته مبارزه با فساد و دستگیری بسیاری از شاهزادگان و مقامات سعودی جنبه عملی بیشتری به خود گرفت. اما آنچه توسط بن سلمان در حال اجرا است تنها به عنوان فساد ستیزی مطرح نیست. او با دستگیری شاهزادگان قدرتمند در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و رسانه علاوه بر افزایش محبوبیت اجتماعی توانست پایه‌های قدرت خود را مستحکم کند.

۲- مجموعه سیاست‌های محمد بن سلمان

۲-۱- سیاست‌های کلی محمد بن سلمان

الف- حمایت‌های اقتصادی محمد بن سلمان از طرح‌های اقتصادی آمریکا  
 بن سلمان مدتها پیش از ولایت عهدی، از سیاست‌های جمهوری خواهان حمایت می‌کرد.



وی که استقرار ولایت عهدی خود را منوط به حمایت آمریکایی‌ها می‌دانست و از سویی دیگر، با اشراف بر این موضوع که افرادی همچون ترامپ، شخصیتی کاملاً تجاری و اقتصادی دارند، درصدد حمایت‌های اقتصادی کلان از جمهوری خواهان برآمد.

در همین راستا، در جریان کمپین انتخاباتی ترامپ، سناریوی به تخت نشستن محمد بن سلمان نیز کلید خورد. اخیراً سندی منتشر شده که بر اساس آن، این مسئله آشکار شده است که ترامپ در ازای ورود پولهای عربستان به بازارهای آمریکا قول حمایت از ولایت عهدی محمد بن سلمان را داده بود. طبق این سند، محمد بن سلمان کمی پس از انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا، طرح کاملی را به ترامپ داده بود که بیشتر بندهایش شامل قراردادهای و سرمایه گذاری صدها میلیارد دلاری تحت عنوان هماهنگی با اهداف برنامه‌های انتخاباتی او بودند. براساس این سند، محمد بن سلمان نام این طرح را «رویکرد عربستان برای مشارکت استراتژیک با آمریکا» و عنوان فرعی «درخواست ارائه شده به رئیس جمهور منتخب آمریکا» قید کرده و ترامپ هم با اجرای آن طی چند مرحله موافقت کرده بود.

بند اول این طرح، افزایش دارایی‌های عربستان در آمریکا تا ۲ هزار میلیارد دلار طی چهار سال آتی است.

بند دوم، تعهد به هماهنگی با کشورهای حوزه خلیج فارس برای ایجاد صندوق اعتبار جهت تأمین هزینه‌های طرح‌های سرمایه گذاری در زیرساخت‌های آمریکا به ارزش ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار و مشارکت در سرمایه گذاری‌ها طبق اولویت‌های برنامه‌های انتخاباتی است و شامل تعداد زیادی توافق نامه تعهدات عربستان با واشنگتن در حوزه‌های سرمایه گذاری و مشارکت‌های اقتصادی و استراتژیک در حوزه‌های انرژی و نفت می‌شود.

در این طرح، تأکید شده که عربستان در ایجاد ۲۵ میلیون فرصت شغلی در آمریکا طی ۱۰ سال آتی مشارکت خواهد کرد. همچنین در این طرح پیشنهاد ایجاد یک منطقه تجاری آمریکایی در ساحل دریای سرخ تحت نظارت سازمان‌های آمریکایی داده شده است. این منطقه تجاری می‌تواند دروازه آمریکا به آفریقا و غرب آسیا باشد. عربستان به موجب این طرح، یک پایگاه نظامی را در دریای سرخ در اختیار آمریکا قرار می‌دهد. طرح یاد شده در بخش سرمایه گذاری، میزان دارایی‌های عربستان در آمریکا را حدود یک تریلیون دلار و در راستای تقویت ارتباطات اجتماعی عنوان می‌کند. (روزنامه کیهان ۹۶)

ب- توسعه قراردادهای نظامی و تسلیحاتی

دومین اقدام محمد بن سلمان توسعه قراردادهای سنگین نظامی و تسلیحاتی عربستان سعودی با ایالات متحده آمریکا است. این مسئله که پیش از بن سلمان نیز سعودی‌ها سابقه خرید تسلیحات از آمریکا داشته‌اند، کاملاً صحیح است، لکن هیچ‌گاه در تاریخ نظامی سیاسی عربستان سعودی چنین حجمی از تسلیحات از سوی آمریکا به این کشور فروخته نشده بود.

در واقع، بن سلمان با اتخاذ چنین سیاستی، چند هدف عمده را دنبال می‌کرد: - توسعه روزافزون قدرت نظامی عربستان - مقابله با جمهوری اسلامی ایران، حزب الله، انصارالله و ... - ضمانت اقتصادی لازم به ترامپ با توجه به شخصیت اقتصادی تجاری وی در راستای تحقق سیاست‌های جمهوری خواهان - تضمین ثبات و امنیت اسرائیل به آمریکا در صورت وقوع جنگ و ارایه همکاری‌های لازم با این رژیم با توجه به نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران در منطقه - تاسیس ناتوی عربی غربی در راستای مقابله با ائتلاف ایران روسیه.

پ - توسعه مناسبات سیاسی با رژیم اشغال‌گر قدس

واقعیت این است که تغییر ولایت عهدی در عربستان سعودی و واگذاری قدرت به محمد بن سلمان، با رضایت قابل توجه سران رژیم اشغال‌گر قدس مواجه بوده است. در این راستا، «اسرائیل کاتز» وزیر حمل و نقل رژیم صهیونیستی پس از ولی عهدی محمد بن سلمان از کشورهای عربی خواست تا گام بیشتری برای مذاکره با اسرائیل بردارند. از سویی دیگر، هم چنین برخی رسانه‌های صهیونیستی با ابراز خشنودی از ولی عهدی بن سلمان، آغاز به افشای روابط پشت پرده دو رژیم کرده و از دیدارهای محرمانه او با مقامات اسرائیلی در خلال دو سال اخیر خبر داده‌اند. همچنین برخی از سران اسرائیلی معتقدند که محمد بن سلمان در به رسمیت شناختن اسرائیل، سیاست احتیاط را دنبال خواهد کرد، اما یقیناً در ادامه، رویکرد سیاسی سعودی‌ها به سمت و سوی توسعه روابط با اسرائیل پیش خواهد رفت؛ تا جایی که ایجاد یک جبهه واحد و هم سو با همکاری عربستان - اسرائیل برای از بین بردن دامنه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در لبنان، عراق، سوریه و یمن را می‌توان محتمل دانست. (مسعودنیا، پیشین: ۱۵۲-۱۵۰)

ت - بسترسازی‌های تبلیغاتی در عرصه بین‌المللی

از دیگر اقدامات سیاسی محمد بن سلمان در راستای برقراری ارتباطات سیاسی با جهان و معرفی ضمنی خود به عنوان پادشاه آینده سعودی‌ها، در کنار همگرایی و همکاری با آمریکا و رژیم صهیونیستی، مبادرت به سفرهایی به دیگر کشورهای جهان است. هر چند به نظر می‌رسد

ماهیت این سفرها عمدتاً تجاری اقتصادی بوده، اما تیم تبلیغاتی و رسانه‌ای بن سلمان با صرف هزینه‌های کلان و لابی‌های متعدد با رسانه‌های غربی مانند «بلومبرگ» یا «سی ان ان» برای مصاحبه با بن سلمان تلاش زیادی برای مطرح کردن وی به جای محمد بن نایف داشته‌اند. بن سلمان در سفر به چین، به عنوان نماینده عربستان در نشست گروه ۲۰ در هانگژوی چین حضور داشت و فرصت یافت با مقامات ۱۹ اقتصاد برتر جهان رایزنی و شخصیت نوظهور و ناشناس خود را معرفی کند.

#### ج- تلاش برای جلب توجه و حمایت جهان اهل سنت

سومین سیاست محمد بن سلمان در راستای تحقق پادشاهی بر حجاز را می‌توان تلاش‌های مضاعف وی در راستای زعامت و رهبری بر جهان اهل سنت دانست. با نگرش به مواضع بن سلمان می‌توان دریافت که اصولاً وی خواهان زعامت کشورهای اسلامی و رهبری آنان است؛ چرا که در این راستا، از سیاست‌های متعددی نیز بهره‌گیری نموده است. به عنوان مثال، در خصوص سودان، با وعده‌های مالی سنگین نه تنها این کشور را تا حد زیادی مطیع خویش ساخت، بلکه سودان را در جنگ یمن به ائتلاف نظامی عربی اضافه نمود. در خصوص مصر نیز حمایت‌های گسترده از سیسی و دشمنی آشکار با اخوان، نه تنها از یک رقیب قدرتمند، متحدی مطیع ساخت، بلکه جزایر استراتژیک صنافیر و تیران را از مصر دریافت و به مناطق تحت استیلا خود اضافه کرد.

از سویی دیگر، مناسبات راهبردی نظامی بن سلمان با پاکستان در این رابطه قابل توجه و مهم است. پاکستان به عنوان یک قدرت دارای سلاح هسته‌ای و ارتشی بزرگ، یکی از متحدان راهبردی عربستان در منطقه است.

سفر منطقه‌ای دیگری که بن سلمان در مسیر هماهنگی‌های خارجی برای انتقال قدرت به نفع خود انجام داد، دیدار مهم وی از امارات در سال گذشته بود. در این سفر محمد بن سلمان مذاکرات مهمی با محمد بن زاید، ولی عهد امارات داشت. بن زاید درباره نتایج دیدارش با بن سلمان گفت: ما مذاکرات موفقیت‌آمیزی پیرامون اختلافات مرزی در دو منطقه «خورالحدید» و «واحه البریمی» با عربستان داشتیم و طی جلسات طولانی با محمد بن سلمان، وی عقب نشینی عربستان از این مناطق را در قبال شروطی پذیرفت. (همان، ۱۵۴ - ۱۵۲)

#### ۲-۲- سیاست‌های منطقه‌ای بن سلمان

محمد بن سلمان ولیعهد سعودی با عدول از سیاست سنتی عربستان یعنی «محافظه

کارانه تدافعی» محور سیاست‌های منطقه‌ای خود را ایران قرار داد و سیاست «محافظه کارانه تهاجمی» را انتخاب کرد در این مسیر برخی از کشورهای عربی نیز که با این سیاست همراه نبودند از طرف عربستان تحت فشار قرار گرفتند.

الف - فشار بر قطر: عربستان به همراه سه کشور امارات، بحرین و مصر در راستای سیاست فشار، قطر را از خرداد ۹۶ محاصره کردند. بهانه عربستان حمایت قطر از تروریسم بود و ۱۳ شرط از جمله قطع ارتباط با تهران را برای دوحه در جهت پایان یافتن محاصره تعیین کرد. حتی در این مسیر طرح حمله نظامی به قطر نیز قرار داشت.

ب- پیروزی در یمن: محمد بن سلمان زمانی که به عنوان وزیر دفاع عربستان انتخاب شد در دنیای سیاست جوانی ناشناخته بود. به همین جهت بسیاری از کارشناسان غربی معتقدند که وی جنگ یمن را با هدف مطرح کردن خود در میان شاهزادگان سعودی به راه انداخت. در واقع بن سلمان سعی داشت با یک حمله سریع و برق آسا در یمن به پیروزی برسد و از این کارت برنده برای رسیدن به پادشاهی استفاده کند.

پ- فشار همه جانبه علیه ایران: در قالب استراتژی تهاجمی بن سلمان، رابطه با ایران قطع و بن سلمان تلاش داشت تا موج قطع روابط با ایران را در جهان عرب به راه بیندازد که تنها چند ریز کشور از عربستان پیروی کردند.

ت- پیروزی در سوریه: عربستان در ۷ سال گذشته تلاش زیادی داشت تا با ساقط کردن بشار اسد در سوریه به نوعی سیاستمداران طرفدار خود را به قدرت برساند. وی در این مسیر کمک‌های مالی زیادی به تروریست‌ها کرد و در واقع به نوعی به عنوان مرکز اصلی تغذیه فکری تروریست‌ها نیز مطرح بود.

## ۲-۳- نتایج سیاست‌های بن سلمان

### الف- مذاکرات استکهلم، شکست بن سلمان در یمن

شاید بتوان بزرگترین شکست سیاست خارجی محمد بن سلمان را شکست در یمن دانست. جنگ ۴ ساله یمن به بزرگترین باتلاق سیاست خارجی بن سلمان تبدیل شده و وسعت جنایت‌های عربستان در یمن باعث شده که سازمان ملل این بحران را بزرگترین فاجعه قرن لقب دهد. در این شرایط عربستان نه تنها به پیروزی نرسیده بلکه پیشرفت انصارالله یمن در زمینه موشکی و پهبادی باعث ایجاد نوعی هراس راهبردی برای ریاض شده است.

علاوه بر این، فشار جهانی نیز بر علیه بن سلمان به دلیل جنایت در یمن زیاد شده است.

در این شرایط عربستان پس از دو سال مجبور شد به برگزاری مذاکرات صلح در استکهلم سوئد تن دهد و این مسئله تبدیل به شکستی سیاسی برای ولیعهد سعودی تبدیل شد. چرا که عربستان برای نخستین بار مجبور شد تا انصارالله یمن را به عنوان هیئت اصلی یمن به رسمیت بشناسد و به نوعی به مشروعیت این گروه اعتراف کرد. این در حالی بوده که بن سلمان یکی از دلایل خود را در حمله به یمن خلع سلاح انصارالله معرفی کرده بود.

#### ب - پیروزی سیاسی قطر

سیاست‌های بن سلمان در مورد محاصره قطر نیز با شکست مواجه شده و قطر نه تنها منزوی نشد، بلکه از طریق گسترش روابط با ایران و ترکیه از محاصره خارج شد. حتی دونالد ترامپ نیز مجبور شد که جانب قطر را بگیرد. این مسئله شکست سیاسی بزرگی برای بن سلمان در عرصه جهانی بود و حتی یکی از دلایل برکناری الجبیر را نیز همین مسئله می‌دانند.

#### پ - خروج نظامیان آمریکایی از سوریه

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا روز چهارشنبه ۲۸ آذرماه دستور خروج تمام ۲ هزار نیروی نظامی آمریکا از سوریه را صادر کرد. این مسئله را برخی به معنای تنهایی عربستان و اسرائیل در عرصه سوریه تعبیر می‌کنند. در واقع این خبر در کنار تشدید موج عادی سازی روابط جهان عرب با سوریه به معنای شکست سیاست‌های عربستان در این مورد است. نکته مهم این است که الجبیر همواره خواستار برکناری بشار اسد بوده و اکنون برکناری وی به معنای این است که احتمالاً عربستان به دنبال تغییر موضع خود در مورد دمشق باشد.

#### ت - قتل خاشقجی و مصوبه سنای آمریکا

اما شاید بتوان مهمترین و تاثیرگذارترین پرونده در مورد محمد بن سلمان را قتل جمال خاشقجی دانست. چرا که اثبات نقش بن سلمان در این قتل که از سوی سیا و سنای آمریکا تایید شد باعث فشارهای زیادی برعلیه بن سلمان شد. حتی درخواست‌های زیاد بر ای برکناری وی نیز از سوی اتاق فکرها و اندیشکده‌های آمریکایی مطرح شد. این مسئله باعث نوعی تغییر در سیاست‌های بن سلمان شده است (مرادی، پژوهشگر مسائل خاورمیانه).

### بخش سوم: چالش‌های دوره ملک سلمان و مدیریت آنها

#### ۱- چالش‌ها

در خصوص چالش‌ها در دوره جدید ملک سلمان بررسی دو موضوع مهم به شمار می‌رود، نخستین موضوع بررسی روند کلان سیاست خارجی عربستان سعودی در دوره جدید و فهم تغییرات احتمالی مربوط به آن است و موضوع دوم، فهم چالش‌های اصلی سیاست خارجی در خاورمیانه در دوره جدید و طرح‌ها و برنامه‌های احتمالی ملک سلمان برای مقابله و مدیریت این چالش‌هاست.

#### ۱-۱- روند کلان سیاست خارجی عربستان سعودی

تحلیل آینده سیاست خارجی عربستان سعودی در دوره ملک سلمان و تبیین تغییر و یا تداوم احتمالی در این سیاست خارجی، با توجه به نوع چارچوب و تمرکز تحلیلی متفاوت خواهد بود. در صورتی که بخواهیم روند و جهت‌گیری سیاست خارجی عربستان سعودی را بر اساس دیدگاه‌ها و سلايق شخصی تحلیل کنیم و به تاثیرگذاري حداکثري اشخاص و رهبران، بر مقوله سیاست خارجی عربستان تاکید نماییم درک دیدگاه‌های فردی ملک عبدالله و نوع روابط شخصی وی با رهبران سایر کشورها، اهمیت و اولویت نخست را به خود اختصاص می‌دهد. اما در صورتی که سیاست خارجی عربستان سعودی و تغییرات آن را متأثر از ساختارهای سیاسی، منافع و روابط نهادینه آن در سطح منطقه تلقی کنیم، اصول و منافع کلان و ساختاری عربستان سعودی، برای تبیین رفتارهای سیاست خارجی اهمیت می‌یابد.

بررسی سیاست خارجی عربستان در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که سیاست خارجی این کشور از اصول و پیوستگی قابل توجهی برخوردار بوده و تغییر پادشاهان، باعث دگرگونی‌های اساسی در جهت‌گیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ریاض نشده است. هر چند تحولات محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، باعث برخی تغییرات در رفتارهای سیاست خارجی سعودی می‌شود، اما اصول و چارچوب‌های پایدار دولت سعودی، فارغ از شخصیت و دیدگاه‌های شخص حاکم، رفتارهای ویژه‌ای را در عرصه سیاست خارجی تحمیل یا تجویز می‌نماید.

ملک سلمان بعد از به قدرت رسیدن و کسب بیعت، اعلام کرد که سیاست‌های پادشاهان گذشته سعودی را ادامه خواهد داد. علاوه بر این، بررسی ساختار قدرت و شرایط سیاسی و امنیتی منطقه‌ای نشان می‌دهد که این کشور کماکان با چالش‌ها و مسایل سیاست خارجی سعودی، تاکتیک‌ها و سلايق شخصی خود را که در برخی موارد از دیدگاه‌های ملک عبدالله متفاوت است، دخیل خواهد کرد. این نوع اختلاف تاکتیک‌ها و سلايق، به خصوص در مورد چالش‌های اصلی پیش روی دولت سعودی می‌تواند تاثیرات خاصی را بر جای بگذارد.

## ۲-۱- بحران یمن

در میان بحران‌های مختلف پیش روی سیاست خارجی عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه، بحران یمن را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین چالشی دانست که عربستان با آن مواجه است. همسایگی عربستان با یمن به درون عربستان، تحولات یمن را از ابعاد امنیتی مهمی برای ریاض برخوردار کرده است. در طول دهه‌های گذشته، یمن از دغدغه‌های مهم عربستان بوده و ریاض سعی کرده است تا در هر دوره با رویکردهای مختلف، به کنترل یمن و تحولات آن بپردازد.

در حال حاضر در شرایطی که عربستان سعودی از تحولات یمن و قدرت گرفتن حوثی‌ها به شدت نگران است، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این کشور برای تاثیرگذاری بر تحولات یمن نیز به شدت محدود است. بر این اساس به رغم این نگرانی‌ها و محدودیت‌ها، ملک سلمان در پی ایفای نقشی فعال تر در یمن، از جمله بهبود پیوندها با حزب اخوانی اصلاح و گسترش همکاری‌ها و هماهنگی‌ها با سایر بازیگران، مانند آمریکا، برای توقف روند قدرت گرفتن حوثی‌ها است. (اسدی: ۱۵ - ۱۲)

## ۳-۱- تهدیدات داعش

در حالی که عربستان از حامیان اصلی داعش بود و تلاش می‌کرد تا از طریق تقویت افراط-گرایی مانند داعش، به تغییر نظام سیاسی در سوریه و تضعیف دولت مرکزی عراق مبادرت کند. قدرت گرفتن ناگهانی داعش و به خصوص اعلام خلافت از سوی ابوبکر بغدادی، باعث تبدیل شدن داعش به یکی از تهدیدات مهم سعودی‌ها در دوره جدید شد. در حالی که در دوره ملک عبدالله، عربستان سعودی تلاش کرد تا با پیوستن به ائتلاف بین‌المللی، تحت رهبری آمریکا، گام‌هایی عملی برای تضعیف داعش بردارد، در دوره جدید حاکمیت ملک سلمان، سعودی‌ها گزینه‌های بیشتری را پیش روی خود ندارند. چرا که از یک سو، میزان اراده واقعی و کامل بازیگران ائتلاف بین-المللی ضد داعش برای محو کامل داعش، مورد تردید است و از سوی دیگر، میزان نتیجه بخشی حملات هوایی این ائتلاف علیه داعش، بدون نیروی زمینی با ابهامات اساسی روبرو می‌باشد. با این حال در پرونده داعش، ملک سلمان در تلاش است تا با بازسازی روابط خود با کشورهایی مانند ترکیه و آمریکا و هماهنگی‌های بیشتر، حداقل به کنترل آن دسته از تهدیدات داعش بپردازد که می‌تواند امنیت ملی سعودی را با اختلال مواجه کند.

## ۲- مدیریت چالش‌ها

به رغم تغییراتی که ملک سلمان در ارکان و مناصب قدرت دولت سعودی ایجاد کرده است، دگرگونی‌های اساسی در استراتژی‌های کلان سیاست خارجی این کشور، چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. چرا که ساختار سیاسی و امنیتی و منافع داخلی و خارجی عربستان سعودی، کمابیش ثابت و بدون تغییر است و خاندان سعودی، تغییرات اساسی را ضروری و یا به به عبارت بهتر ممکن تلقی نمی‌کند.

بر این اساس، ملک سلمان نیز کماکان چالش‌های اساسی گذشته در عرصه منطقه‌ای را پیش روی خود دارد و برای مدیریت و کنترل این چالش‌ها، تنها به برخی تغییرات تاکتیکی مبتنی بر دیدگاه‌ها و سلیقه شخصی خود اکتفا خواهد کرد. بازسازی و فعال کردن بیشتر روابط با برخی از بازیگران تاثیرگذار بر بحران‌های منطقه، مانند ترکیه، آمریکا و یا در سطح پایین‌تر قطر و جریان اخوانی به منظور هم‌افزایی پتانسیل‌های موجود، مهمترین این تغییرات محسوب می‌شود.

در بحران یمن اصلاح و گسترش همکاری‌ها با حزب اخوانی اصلاح درون یمن و هم‌چنین آمریکا و قطر، در مورد داعش، افزایش هماهنگی‌ها با آمریکا و ترکیه و در مورد ایران نزدیکی بیشتر به واشنگتن، از روندهای محتمل سیاست خارجی ملک سلمان محسوب می‌شود. با این حال با توجه به تعدد متغیرهای تاثیرگذار بر هر یک از بحران‌ها و مسایل فوق، میزان موفقیت ملک سلمان در مدیریت چالش‌های پیش روی خود در سیاست خارجی با اتکا بر تحرکات جدید، با تردیدهای جدی مواجه است. (همان: ۱۷ - ۱۵)

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در شرایط و اوضاع کنونی، عربستان برای تغییر و اصلاح از چند ناحیه تحت فشار است که توأمان شدن این عوامل، فشار مضاعفی را بر این کشور تحمیل کرده است. با درگیر بودن حکومت آل سعود به انواع بحران‌های سیاسی، فکری و هویتی مشروعیت رژیم به شدت زیر سوال رفته تا جایی که می‌توان گفت بحران مشروعیت و مقبولیت در عربستان به بالاترین حد خود در دوران حاکمیت آل سعود رسیده است. هم‌چنین می‌توان به این مهم اشاره کرد که در کشور عربستان علیرغم وجود دولت قدرتمند سعودی، شکاف‌های اجتماعی جدی وجود دارند که در صورت بی‌توجهی آل سعود می‌توانند به شکاف‌های سیاسی تبدیل و حیات پادشاهی را نیز به خطر اندازند.



به نظر می‌رسد جمعیت جوان و البته تحصیل کرده عربستان، شیعیان این کشور و البته زنان عربستان دیگر قرائت‌های موجود در این کشور در خصوص مشروعیت سیاسی، مذهبی و اجتماعی را به شیوه کنونی نمی‌پذیرند و از اینرو می‌توانند در آینده در دو بعد اقناع سیاسی و مذهبی برای آل سعود بحران آفرین شوند. یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان دهنده آن است که مهمترین تغییر سیاسی انجام شده در دوران ملک سلمان تفویض ولایت عهدی به پسرش محمد بن سلمان بوده است؛ اقدامی که می‌توان از آن به منزله بدعت در جابجایی و واگذاری قدرت در خاندان آل سعود یاد کرد.

حال با نگرشی بر اقدامات محمد بن سلمان و تأثیرات وی تا پیش از تصدی ولایت عهدی بر عربستان سعودی، می‌توان دریافت که محمد سلمان فعالیت‌هایی همچون حمایت از طرح‌های اقتصادی دونالد ترامپ، انعقاد قراردادهای سنگین تسلیحاتی با ایالات متحده آمریکا، حمایت‌های اقتصادی از تروریست‌های داعش در عراق و سوریه، ارائه سند ۲۰۳۰ و توسعه اقتصادی مبتنی بر عدم اتکای صرف بر صادرات نفت عربستان و حمایت‌های اقتصادی برخی از کشورهای جهان اسلام همچون مصر، سودان، جیبوتی و ... در پذیرش زعامت عربستان سعودی بر جهان اسلام اهل سنت، بهره برده است تا به نوعی شایستگی‌های خویش را برای تصدی چنین موقعیت‌های مهمی در عربستان، به همگان اثبات نماید.

باید گفت که محمد بن سلمان نظریه پرداز اصلی جنگ یمن بوده است. جنگی کاملاً فرسایشی با دستاوردهای تقریباً صفر. از سویی دیگر، بن سلمان یکی از افراد تأثیرگذار در بحران سازی‌های اخیر خاورمیانه در عراق و سوریه بوده است. گذشته از این موارد، گسست اخیر سیاسی میان قطر و عربستان سعودی و خواسته‌های این کشور از قطر نیز در سیاست خارجی بن سلمان است که نه تنها دستاوردی نداشته، بلکه موج جدیدی از ائتلاف منطقه‌ای علیه عربستان سعودی با محوریت اسلام اخوانی متشکل از قطر و ترکیه را نیز دامن زده است. از سویی، عربستان در دوران پیش از ولایت عهدی وی و هم اکنون در بیشترین تنش‌های سیاسی با جمهوری اسلامی ایران به سر می‌برد. جمله بن سلمان که «دامنه تروریسم و ناامنی را به مرزهای درونی جمهوری اسلامی خواهیم کشاند» گواهی بر این مدعا است. از سویی دیگر، مرجعیت گفتمان وهابیت بن سلمان در منطقه، نه تنها نتایج مورد دلخواه آل سعود را به همراه نداشته است، بلکه پیروزی‌های چشمگیر محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران در منطقه، سقوط

داعش در عراق پیروزی‌های متوالی ارتش سوریه بر تروریست‌های این کشور، از یک سو و گفتمان اسلامی اخوانی ترکیه و قطر از سوی دیگر، عملاً گفتمان اسلام وهابی را به انزوا کشانده است. درخصوص سیاست‌های بن سلمان در قبال آمریکا و رژیم صهیونیستی، باید اذعان کرد مادامی که عربستان پوشش دهنده نیازها و طرح‌های اقتصادی ایالات متحده و امنیت رژیم اشغال‌گر قدس باشد، از حمایت‌های آنان برخوردار خواهد بود، در غیر این صورت این کشور همچون گذشته متهم نخست نقض حقوق بشر و دیگر اصول دموکراتیک از سوی آمریکا و غرب خواهد شد. در نهایت نیز باید خاطرنشان کرد که با تفویض قدرت ولایت عهدی به بن سلمان و بدعتی که در این رابطه از سوی پادشاه عربستان صورت گرفته، نوعی بحران مشروعیت در داخل، بحران توزیع قدرت در میان دیگر شاهزاده‌ها و بحران مشارکت از سوی طیف‌های مخالف وی همچون شیعیان عربستان به وقوع خواهد پیوست.

## منابع فارسی:

### مقالات

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۳)، چالش‌های سیاست عربستان در دور ملک سلمان، اندیشه راهبردی تبیین
- مسعودنیا، حسین، جابجایی قدرت در عربستان سعودی: تاثیر تغییر ولایت عهدی بر ساختار سیاست خارجی عربستان سعودی، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۴۷، بی تا
- ### خبرگزاری
- احمدیان، حسن (۱۳۹۳)، اصلاحات اجتماعی با انگیزه‌های سیاسی: عربستان در مسیر تغییر، پایگاه تحلیلی اینترنتی‌شال، ۱۶ مهر
- معمای قدرت در جامعه عربستان و شب‌ها اصلاحات شتابزده بن سلمان، خبرگزاری تسنیم، ۳ آذر ۱۳۹۶
- نگاهی به سند چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان و برنامه رفوم ولیعهد جدید، سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱ تیر ۱۳۹۶

## English Resources

- Al-Rasheed, Modawi.(2015), **Saudi Arabia's Foreign Policy: Loss without Gain?** In The New Politics of Intervention of Gulf Arab States, LSE Middle East Center
- Niblock, Tim.(2006), **Saudi Arabia: Power**, Legitimacy and Survival, London and New York:Routledge
- Stenslie, Stig(2016), **Salman's Succession: Challenges to Stability in Saudi Arabia**, The Washington Quarterly, Vol. 39, No. 2
- Yefet, Adam (2015), **The Influence of Religious Institutions on the Domestic and Foreign Policies of the Kingdom of Saudi Arabia**, InternationalAffairs Review, Vol. XXIII, No. 2
- Sailer, Matthias (2016), **Changed Priorities in the Gulf: Saudi Arabia and the Emirates Rethink their Relationship with Egypt**, SWP, German Institute for International and Security Affairs.2016
- Ethan Bronner and Michael Slackman,(2011), **Saudi Troops Enter Bahrain to Help Put Down Unrest**, New York Times, March 14, [http://www. Nyti m e s.com/2011/03/15/world/middleeast/15bahrain.html](http://www.Nyti m e s.com/2011/03/15/world/middleeast/15bahrain.html)